



اثر محافظه کاری حسابداری بر بدهی

دکتر بهمن بنی مهد*

چکیده

این تحقیق رابطه بین محافظه کاری حسابداری و بدهی، در ۴۲ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را برای دوره زمانی ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری اثری فزاینده بر بدهی دارد. این موضوع از نظر تئوری پذیرفته شده و مشابه نتایج تحقیقات خارجی می باشد. همچنین متغیرهای مداخله گری که می تواند بر رابطه بین محافظه کاری و بدهی اثرگذار باشد در این تحقیق کنترل شده است. متغیرهای مذکور شامل سطح فروش، شاخص سودآوری (بازده داراییها)، اندازه شرکت و درصد مالکیت دولت است. نتایج تحقیق بر وجود رابطه ای معنی دار میان متغیرهای فوق و بدهی تأکید دارد. نتایج نشان می دهند با افزایش درصد مالکیت دولت در سرمایه شرکتهای بدهی شرکتهای نیز افزایش می یابد. این عامل نسبت به سایر عوامل بیشترین اثر را بر بدهی شرکتهای دارد. همچنین اثر اندازه شرکت بر بدهی، نسبت به سایر متغیرها ناچیزی است. افزایش بازده داراییها، موجب کاهش بدهی و همچنین افزایش فروش و به تناوب آن افزایش گردش داراییها، باعث افزایش بدهی می گردد.

واژگان کلیدی:

محافظه کاری حسابداری، بدهی، مالکیت دولت، اندازه شرکت، بازده داراییها

* استادیار، عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج
کرج- انتهای رجایی شهر- تقاطع بلوار مودن و استقلال- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

نویسنده مسئول یا طرف مکاتبه: دکتر بهمن بنی مهد

مقدمه

تحقیق درباره محافظه کاری حسابداری از جمله تحقیقات اثباتی در حسابداری است. حسابداری اثباتی فرض می‌کند که محافظه کاری حسابداری بواسطه الزام قابلیت اثبات و تایید بالا برای شناخت درآمد و یا قابلیت اثبات و تایید پایین برای شناخت هزینه در رابطه با قراردادهای پاداش میان سهامداران و مدیران، به وجود آمده است (واتز و زیمرمن ۱۹۸۶). در غیاب محافظه کاری ممکن است مدیران با شناسایی درآمدهایی که هنوز تحقق نیافته اند به سود مورد نظر خود دست یابند و بر اساس آن پاداش اضافه تری دریافت نمایند. به نظر می‌رسد که در صورت عدم تحقق آن درآمدها در آینده، جبران رفتارهای فرصت طلبانه مدیر مشکل باشد و ارزش شرکت نیز کاهش یابد (واتز ۲۰۰۳). محافظه کاری بیشتر به تئوری قراردادهای مرتبط است (واتز ۲۰۰۳). واتز (۲۰۰۳) محافظه کاری حسابداری را مکانیزم مؤثری برای رفع تضاد منافع در قرارداد های بدهی می‌داند. به عقیده او محافظه کاری بواسطه کم‌نمایی دارایی‌ها موجب محدود شدن تقسیم سود و کاهش هزینه های نمایندگی مرتبط با قرارداد بدهی می‌شود. از اینرو محافظه کاری حسابداری رابطه مستقیمی با فرضیه های تحقیقات اثباتی از جمله فرضیه بدهی دارد.

فرضیه مذکور پیش بینی می‌کند در صورتیکه شرکتها بدهی زیادی داشته باشند، احتمالاً مدیران آن شرکتها از روشهای حسابداری افزایش سود استفاده می‌کنند. نسبت بالای بدهی منجر می‌شود که شرکت در قراردادهای بدهی خود با الزامات و شرطهایی از جانب وام دهنده روبرو شوند. لذا مدیران با انتخاب روشهای حسابداری افزایش سود در تلاش هستند تا از الزامات قراردادهای بدهی و هزینه‌های نکول بکاهند (واتز و زیمرمن ۱۹۸۶). این تحقیق شاخص محافظه کاری حسابداری را با استفاده از مدل گیولی و هین (گیولی و هین ۲۰۰۰) محاسبه و اندازه گیری می‌نماید. جزئیات مدل مذکور در بخش های بعدی مقاله آورده خواهد شد. این مقاله سعی دارد تا اثر محافظه کاری حسابداری بر بدهی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

در تئوری کارگزاری^۱ یک گروه، فرد یا گروهی را به عنوان مباشر یا نماینده خود انتخاب و اختیار تصمیم گیری درباره امور و منابع را به او واگذار می‌نمایند. در این تئوری فرض می‌شود که اعتباردهنده به مدیر (کارگزار) اجازه استفاده از منابع را داده است. منابعی او به صورت اعتبار و وام در اختیار واحد تجاری قرار داده است. به عبارت دیگر، مدیر اختیار تصمیم گیری بر منابعی که متعلق به او نیست را دارد و این احتمال وجود دارد که مدیر در راستای منافع اعتبار دهنده عمل نکند و در راستای منافع شخصی خود عمل نماید. این موضوع در تئوری کارگزاری پیش بینی شده است. تئوری کارگزاری پیشنهاد می‌کند که اعتبار دهندگان می‌توانند مشکلات ناشی از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را از طریق تنظیم قرارداد های مبتنی بر ارقام حسابداری کاهش دهند. اما استفاده از ارقام حسابداری در قراردادهای بدهی، مدیران را به گزارش ارقام بالا و سوگیرانه تحریک و ممکن است ریسک نکول بدهی را افزایش و پرداخت های مورد انتظار به اعتبار دهندگان را کاهش دهد. بنابراین اعتبار دهندگان، برای جلوگیری از چنین وضعیتی و خنثی کردن سوگیری های جانبدارانه مدیران، خواهان حسابداری محافظه کارانه هستند (قوانگ و احمد ۲۰۰۷).

در آخرین تصمیماتی که درباره چارچوب مفهومی مشترک هیئت استانداردهای بین المللی و آمریکا اتخاذ شده است، محافظه کاری از ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری حذف گردیده است (FASB 2006). اما به عقیده مخالفان این تصمیم، محافظه کاری موجب بهبود گزارشگری مالی می‌شود و هیئت های تدوین کننده استاندارد های حسابداری باید محافظه کاری را به رسمیت بشناسند. به باور آنها مسئولیت محدود مدیر، این انگیزه را در مدیران بوجود می‌آورد تا آنها در برآوردهای ارقام حسابداری، بطور جانبدارانه ای عمل کنند و بی طرفی را رعایت نکنند. این در حالی است که محافظه کاری می‌تواند رفتار جانبدارانه مدیر و در نتیجه پرداخت اضافی به مدیران و سایر گروهها

مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد (فلتهام و اولسون ۱۹۹۵). تعریف سوم درباره محافظه کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پائین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می شود (گیولی و هین ۲۰۰۰). در این تحقیق از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه کاری استفاده شده است. دسته بندی دیگری برای تعریف محافظه کاری وجود دارد که عبارت است از محافظه کاری شرطی^۱ و محافظه کاری غیر شرطی^۲. محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه کاری شرطی است. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری، الزام نگردیده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی ها بواسطه رویه های از پیش تعیین شده حسابداری است. محافظه کاری مذکور، به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده نگر نیز معروف است (رایان ۲۰۰۶).

تفاسیر محافظه کاری

محافظه کاری حسابداری را می توان بر اساس چهار تفسیر قراردادی، مالیاتی، هزینه های سیاسی و دعاوی حقوقی مورد بررسی قرار داد. تفسیر قراردادی، بیان می کند اگر قراردادهای شرکت با گروه های مختلف مانند سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان براساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آنگاه به علت وجود تضاد منافع میان مدیران و آن گروه ها، مدیران شرکتها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتارهای جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود

را محدود نماید و این محدودیت با اهداف استانداردگذاری مطابقت دارد (AAA 2007).

به عقیده طرفداران محافظه کاری، اغماض از مزیت محافظه کاری به منظور دستیابی به سود مورد نظر، مشکلاتی را که محافظه کاری دنبال حل آن است را بیشتر می نماید. همچنین محافظه کاری باعث می شود تا مدیران که از اطلاعات داخل واحد تجاری آگاه هستند، نسبت به سایر گروههای طرف قرارداد با شرکت که اطلاعات کمتری نسبت به مدیران دارند، مزیت و برتری خاصی نداشته باشند. اگر مراجع تدوین کننده استانداردهای حسابداری بر تهیه اطلاعات محافظه کارانه و قابل تائیدی تاکید کنند که قابل استفاده برای گروههای مذکور باشد، آنگاه این موضوع می تواند موجب بهبود بیشتر گزارشگری مالی شود (واتز ۲۰۰۳). در این تحقیق، محقق دنبال آن است تا موضوع فوق یعنی رابطه میان محافظه کاری حسابداری و بدهی را بررسی نماید تا تعیین شود که محافظه کاری حسابداری در محیط ایران چه اثری بر بدهی می گذارد.

هدف تحقیق

این تحقیق بطور کلی دو هدف عمده را مد نظر دارد. هدف اول شناسایی رابطه میان محافظه کاری حسابداری و بدهی و بسط مبانی نظری مرتبط با آن است. در صورت تحقق هدف مذکور، هدف دوم آن است که مدلی مناسب، برای اندازه گیری بدهی ارائه شود. متغیرهای مدل در بخش های بعدی مقاله آورده شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعریف محافظه کاری

باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تائید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می نماید. این تعریف، محافظه کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می نماید. اما تعریف دیگر، تعریف محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر

1. Conditional Conservatism

2. Unconditional Conservatism

(بیور و ریان ۲۰۰۰) رابطه بین معیار محافظه کاری، با هزینه استهلاک، تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات و ذخیره کاهش ارزش موجودی تحت روش LIFO را بررسی کردند. آنها در این بررسی دریافتند که هزینه استهلاک به روش نزولی، هزینه تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات بر محافظه کاری اثر منفی و معکوس دارند. اما شاخص ذخیره کاهش ارزش موجودی تحت روش LIFO اثر مثبت دارد. آنها توضیح می دهند که ذخایر LIFO در دوره ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۳ یعنی دوره ای که شرکتها در دوره رشد قرار داشتند، زیاد است.

نتایج تحقیق پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) نشان می دهد که رویه های محافظه کارانه حسابداری به هزینه بردن مخارج سرمایه ای را تسریع می بخشد، این موضوع می تواند موجب کاهش سود و ایجاد ذخایر مخفی شود. در نتیجه کیفیت سود بواسطه محافظه کاری کاهش می یابد. واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند که شرکت هایی که با هزینه های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری دارند. در تائید عقیده آنها احمد و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکت های بزرگ، از روشهای حسابداری محافظه کارانه بیشتری نسبت به سایر شرکتها استفاده می کنند. همچنین نتایج تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر آن است که اگر تضاد منافع میان وام دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن صورت مدیران شرکت های وام گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری دارند.

احمد در تحقیق دیگری (۲۰۰۸) نتیجه می گیرد، محافظه کاری حسابداری مانع سرمایه گذاری مدیران در پروژه هایی با بازده منفی می شود. همچنین او در می یابد که رابطه مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه کاری وجود دارد.

بال و همکاران (۲۰۰۰) طی تحقیقی به این نتیجه می رسند، در کشورهایی که قوانین آنان براساس عرف جامعه تعیین می شود (مانند آمریکا، استرالیا، انگلستان و کانادا)، استفاده از ارقام منتشر شده صورتهای مالی در قراردادهای باعث شده است که ارقام سود، بسیار محافظه کارانه محاسبه شود تا نسبت به کشورهایی که فاقد قوانین عرفی

دستکاری نماید. مثلاً سود و یا دارایی ها را افزایش و بدهی ها را کاهش می دهند. در این میان، محافظه کاری از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و کم نمایی خالص دارایی ها، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی می کند (واتز ۲۰۰۳). مالیات نیز می تواند منشاء محافظه کاری باشد. در این دیدگاه، محافظه کاری با به تأخیر انداختن شناخت درآمدها و تسریع در شناخت هزینه ها، پرداخت های مالیاتی را به تعویق می اندازد. بنابراین ارتباط تنگاتنگی میان محافظه کاری حسابداری و مالیات وجود دارد (واتز ۲۰۰۳).

بر اساس تفسیر هزینه های سیاسی و دعاوی حقوقی، شرکت های بزرگ و سودآور در مقایسه با شرکت های کوچک، از نظر سیاسی بیشتر مورد توجه قرار می گیرند و هزینه های سیاسی و دعاوی حقوقی آنها بیشتر است. در این مورد نیز محافظه کاری حسابداری، از طریق بکارگیری روش های محافظه کارانه حسابداری می تواند هزینه های مزبور را کاهش دهد (واتز ۲۰۰۳). این تحقیق در چارچوب تفسیر قراردادی، رابطه میان محافظه کاری حسابداری و بدهی را مورد بررسی قرار می دهد.

پیشینه تحقیق

باسو (۱۹۹۷) در تخمین شاخص محافظه کاری، رابطه بین عایدات و بازده سهام را از طریق رگرسیون بررسی نمود. او دریافت در شرکت هایی که بازده سهام آنها منفی است، بازده سهام همبستگی بیشتری با عایدات دارد تا در شرکت هایی که بازده سهام آنها مثبت است. باسو دریافت در دوره هایی که دعاوی قضایی در آمریکا افزایش یافته، محافظه کاری نیز افزایش یافته است. گیولی و هین (۲۰۰۰) طی تحقیقی نشان دادند، سودآوری در طی چهار دهه گذشته، در آمریکا کاهش یافته است. اما این کاهش، موجب کاهش جریان نقدی نشده است. همچنین توزیع سود خیلی پراکنده شده است و نسبت به جریان نقدی چولگی به چپ دارد. نتایج تحقیق آنها به این موضوع اشاره دارد که شناخت اخبار بد نسبت به اخبار خوب زودتر انجام می شود و میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی آمریکا افزایش یافته است.

گارسیا و همکاران (۲۰۰۶) به رابطه ای معکوس بین محافظه کاری و هزینه حقوق صاحبان سهام دست یافتند. آنها دریافتند که محافظه کاری، ریسک شرکت و در نتیجه هزینه حقوق صاحبان سهام را کاهش می دهد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مدل‌های قبلی اندازه گیری محافظه کاری حسابداری، که رابطه میان محافظه کاری و هزینه سرمایه را بررسی می نمودند، هرچند از نظر تئوری صحیح هستند، اما خطاهایی نیز دارند.

لافوند و واتز (۲۰۰۸) دریافتند که میان محافظه کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه وجود دارد. تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه گذاران منجر به تغییر در محافظه کاری می شود. این موضوع نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا مبنی بر اینکه محافظه کاری موجب عدم تقارن اطلاعاتی می شود را نقض می نماید.

گیولی و همکاران (۲۰۰۷) اشاره دارند که برای محاسبه شاخص محافظه کاری، همزمان باید از مدل‌های مختلف استفاده نمود. آنها در پژوهش خود نشان دادند که نتایج مدل باسو با سایر مدل‌ها متفاوت است و با توجه به اینکه محیط گزارشگری از نظر نوع صنعت، کشور و دوره زمانی متفاوت است باید همزمان از مدل‌های متفاوت استفاده نمود.

نیکلاف (۲۰۰۸) رابطه بین محافظه کاری حسابداری و محدودیت های قراردادهای بدهی را مورد بررسی قرار داد. او دریافت که هرچه محدودیت های قراردادی بدهی افزایش یابد، محافظه کاری نیز افزایش می یابد. این رابطه قبلاً در تحقیق بال و همکاران (۲۰۰۷) تأیید شده بود.

بنی مهد (۱۳۸۵) بر اساس اطلاعات یک دوره یازده ساله (۱۳۷۳ الی ۱۳۸۳) از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، عوامل مؤثر بر محافظه کاری حسابداری را تعیین و مدلی را برای اندازه گیری آن پیشنهاد داد. نتایج تحقیق او نشان داد که محافظه کاری حسابداری در ایران روندی نزولی دارد. خلاصه ای از نتایج تحقیق او به قرار زیر است:

الف) شاخص سود آوری بر اساس بازده تعهدی و نقدی دارایی ها، روندی نزولی دارد. اما در مورد شرکتهای آمریکایی این روند، روندی صعودی است (Givoly & Hayn, 2000).

(مانند فرانسه، آلمان و ژاپن) هستند. بال در تحقیق دیگر (۲۰۰۲) به این نتیجه می رسد، چهار کشور آسیایی، هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و تایلند که همه این کشورها از استانداردهای حسابداری کشورهای نظیر انگلستان و آمریکا اقتباس کرده اند، محافظه کاری کمتری نسبت به انگلستان و آمریکا داشته اند. همچنین فقدان اعتماد به افشای عمومی و قراردادهای در کشورهای آسیایی باعث کاهش محافظه کاری در این کشورها شده است. هولتاسن و واتز (2001) دریافتند که در دوران قبل از استاندارد گذاری، محافظه کاری وجود داشته و در دوره حاکمیت هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا میزان آن افزایش یافته است.

نتایج تحقیق قوآنگ (۲۰۰۷) نشان داد که محافظه کاری شرطی و غیر شرطی نقش های متفاوتی در هر یک از تفاسیر محافظه کاری بازی می کنند. تفسیر قراردادی منجر به محافظه کاری شرطی و تفسیر دعاوی حقوقی منجر به هر دو شکل محافظه کاری شرطی و غیر شرطی می شود. سایر تفاسیر نیز منجر به محافظه کاری غیر شرطی می گردند. او همچنین دریافت که با افزایش محافظه کاری غیر شرطی، محافظه کاری شرطی کاهش می یابد بنابراین لازم است تا نوعی تعادل میان آنها ایجاد گردد.

بتی و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که تقاضا برای محافظه کاری از سوی وام دهندگان در مقاطع زمانی مختلف یکسان نیست. در مواردی که هزینه های کارگزاری و هزینه های دعاوی حقوقی بالا است، تقاضا برای محافظه کاری وجود دارد.

گارسیا و مورا (۲۰۰۴)، میزان محافظه کاری در کشورهای اروپایی را مورد بررسی قرار دادند. آنها برای اندازه گیری محافظه کاری ترازنامه، از مدل اولسون (۱۹۹۵) و برای اندازه گیری محافظه کاری سودوزیان، از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده کرده بودند. آنها دریافتند که هر دو نوع محافظه کاری ترازنامه و محافظه کاری سودوزیان، در همه کشورها وجود دارد. اما محافظه کاری ترازنامه بیشتر از محافظه کاری سودوزیان می باشد و علت آن نیز کاهش محافظه کاری سودوزیان است. محافظه کاری سودوزیان در انگلستان بیشتر از سایر کشورها است.

د) بین شاخص سودآوری (بازده دارایی ها) و محافظه کاری رابطه ای معنی دار و مستقیم وجود دارد. نتایج بیانگر کاهش بازده دارایی ها و به تبع آن، روند نزولی محافظه کاری در طی سالهای ۸۵-۱۳۸۰ داشته است.

ه) بین ذخیره مالیات و محافظه کاری رابطه ای معنی دار وجود دارد و دیدگاه های محافظه کارانه می تواند تحت تاثیر منافع مالیاتی قرار گیرد.

این تحقیق، با اقتباس از تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۰) و تحقیق نیکلاف (۲۰۰۸) سعی دارد موضوع را در ایران مورد بررسی قرار دهد.

فرضیه ها

در این تحقیق براساس اهداف تحقیق و مبانی نظری آن فرضیه های زیر تدوین گردیده است:

فرضیه اصلی

۱) میان محافظه کاری حسابداری و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۲) میان نسبت دارایی غیر جاری به جمع داراییها و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

۳) میان نسبت فروش به جمع دارایی ها و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

۴) میان درصد مالکیت دولت و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

۵) میان شاخص سودآوری (بازده داراییها) و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

۶) میان اندازه شرکت و بدهی رابطه معنی دار وجود دارد.

متدولوژی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. قلمرو زمانی تحقیق نیز از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ (یک دوره هشت ساله) تعیین شده است. روش تحقیق، از نوع تحقیق همبستگی و تحقیق ترکیبی است. در تحقیق ترکیبی، مبانی نظری موضوع مورد پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه ای بدست می آید. روش همبستگی برای دو هدف عمده

ب) در ایران اندازه شرکتهای اثری بر محافظه کاری حسابداری ندارد. شاید کم بودن شرکتهای بزرگ در نمونه تحقیق دلیل این موضوع باشد. اما در آمریکا اندازه شرکتهای بر محافظه کاری حسابداری اثری معکوس دارد. یعنی شرکتهای بزرگ نسبت به شرکتهای کوچک محافظه کاری حسابداری بیشتری دارند (Ahmed et al 2002).

ج) در ایران شاخص سودآوری (بازده دارایی) کاهش یافته است و به دنبال آن محافظه کاری نیز کاهش یافته است. اما در آمریکا شاخص سودآوری (بازده دارایی) افزایش و محافظه کاری نیز افزایش یافته است (Ahmed et al 2002) و (Givoly & Hayn 2000).

د) در اقتصاد آمریکا، محافظه کاری یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض های تقسیم سود بین سهامداران و اعتبار دهندگان است. هر چه چنین تعارض هایی بیشتر باشد، محافظه کاری شرکتهای نیز بیشتر خواهد بود (Ahmed et al 2002). در ایران این موضوع صادق نیست.

ه) در ایران نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی ها اثری بر استفاده از رویه های محافظه کارانه حسابداری ندارد. در آمریکا نیز اثر مالیات بر محافظه کاری حسابداری مستمر و پایدار نیست (Watts, 2003).

پژوهش دیگر را ادهم (۱۳۸۶) در خصوص رابطه محافظه کاری حسابداری با کیفیت سود و بازده سهام انجام داده است. خلاصه نتایج بدست آمده تحقیق وی بدین شرح است:

الف) بین محافظه کاری و شاخص کیفیت سود رابطه ای مستقیم وجود دارد. یعنی هرچه شرکتهای در شناسایی عایدات و هزینه ها، رویه های محافظه کارانه را اتخاذ نمایند سود گزارش شده دارای کیفیت بالاتری از نظر نزدیکی به وجه نقد خواهد داشت و برعکس.

ب) بین محافظه کاری و بازده سهام رابطه معنی داری وجود ندارد. بدین معنی که بازده سهام، تحت تأثیر روشهای محافظه کارانه قرار نمی گیرد. این مطلب مشابه نتایج ژانگ و پنمن (۲۰۰۲) در آمریکاست.

ج) اندازه شرکت و شاخص محافظه کاری فاقد رابطه معنی دار هستند. بنابراین اتخاذ رویه های محافظه کارانه ارتباطی به اندازه شرکتهای ندارد.

شرکتها دارند (Fraser et al 2005). از این رو، اندازه شرکت می تواند تأثیر مستقیمی بر بدهی داشته باشد. لذا در این تحقیق اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی های هر شرکت اندازه گیری می شود، به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردیده است.

نسبت دارایی غیرجاری به جمع داراییها، نشان دهنده میزان و شدت سرمایه گذاری در داراییها است. در بعضی از تحقیقات نظیر تحقیق احمد (۲۰۰۲) به رابطه ای مستقیم میان نسبت مذکور و بدهی پی برده شده است. همچنین در تحقیق دیگر رابطه میان درصد مالکیت دولت و بدهی تأیید گردیده است (Fraser et al 2005). لذا در این تحقیق درصد مالکیت دولت نیز به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده است. برای این منظور شرکتهایی که مالکیت دولتی دارند با عدد یک و شرکتهایی که مالکیت دولتی ندارند با صفر (متغیر مجازی) نشان داده می شوند. در تحقیق حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. انگیزه انتخاب آن این بوده است که اطلاعات این مدل تماماً اطلاعات حسابداری بوده و به راحتی در ایران در دسترس است و بیشتر تحقیقات انجام شده در خارج (مانند تحقیق احمد ۲۰۰۲، قوانگ ۲۰۰۷) نیز از این مدل استفاده نموده اند. شاخص محافظه کاری بر اساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود:

شاخص محافظه کاری =	اقلام تعهدی عملیاتی	(-1) ×
	جمع دارایی ها در اول دوره	

به عقیده گیولی و هین (۲۰۰۰) رشد اقلام تعهدی می تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می شود. از آنجائیکه فروش می تواند بر اقلام تعهدی نظیر تغییرات در حسابهای دریافتی و

کشف همبستگی بین متغیرها و پیش بینی یک متغیر از روی یک یا چند متغیر دیگر به کار می رود. مزیت عمده آن این است که به محقق اجازه می دهد متغیرهای زیادی را اندازه گیری کند و همزمان همبستگی درونی بین آنها را محاسبه نماید. امتیاز دیگر روش همبستگی در این است که می تواند درباره درجه همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه اطلاعات لازم را فراهم سازد (دلور ۱۳۷۴). همچنین جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل شرکتهایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکتهایی که از سال ۱۳۷۹ مورد پذیرش قرار گرفته باشند.
- شرکت سرمایه گذاری نباشند.
- شرکتهایی که دوره مالی آنها آخر اسفند ماه هر سال باشد.
- شرکتهایی که در دوره مورد بررسی توقف معامله نداشته باشند.
- شرکتهایی که داده های آنها در طول دوره زمانی در دسترس باشند.
- با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۴۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۶ شرایط فوق را دارا بوده و لذا به عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب شدند.

متغیر های مورد مطالعه

متغیر وابسته در تحقیق حاضر، جمع بدهی های شرکت است. اما متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر نسبت اهرمی بعنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد، عبارتند از شاخص محافظه کاری، اندازه شرکت، شاخص سودآوری (بازده دارایی)، نسبت فروش به جمع داراییها، درصد مالکیت دولت و نسبت جمع دارایی غیرجاری به جمع داراییها. از میان متغیر های فوق، به غیر از شاخص محافظه کاری بقیه متغیرها متغیر های مداخله گری هستند که ممکن است بر رابطه بین محافظه کاری و بدهی اثر گذار باشند. در این تحقیق اثر متغیر های مداخله گر، کنترل شده است. شاخص سودآوری و اندازه شرکت به طور بالقوه از نظر تئوریک محرک های بدهی محسوب می شوند. از نظر تئوری، شرکت های بزرگ و بسیار سودآور احتمالاً بدهی کمتری در مقایسه با سایر

تجزیه و تحلیل گام به گام (Step Wise) انجام و مشخص شد که محافظه کاری حسابداری، نسبت فروش به جمع دارایی‌ها، شاخص سودآوری (بازده داراییها)، اندازه شرکت و درصد مالکیت دولت با بدهی رابطه معنی دار دارند و بر آن تا اثر گذار هستند. به غیر از متغیر درصد مالکیت دولت که در سطح معنی داری ۹۶ درصد با بدهی رابطه معنی دار دارد بقیه متغیرها در سطحی پائین تر از ۹۵ درصد با بدهی رابطه معنی دار دارد. اما نسبت دارایی غیر جاری به جمع داراییها رابطه ای معنی دار با بدهی حداقل در سطح ۹۰ درصد ندارد. با توجه به جدول شماره ۱-۱-۸، به غیر از نسبت دارایی غیر جاری، سطح اهمیت (Sig) همه متغیرها کمتر از ۵ درصد است.

موجودی کالا و شاخص سودآوری اثرگذار باشد، لذا در این تحقیق نسبت فروش به جمع دارایی به عنوان متغیر کنترل به متغیرهای تحقیق اضافه شده است. برای کنترل عامل تورم بر اقلام تعهدی و تغییرات محافظه کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح شرکتها با اندازه های مختلف، متغیرهای تحقیق بر جمع داراییها تقسیم شده است.

تحلیل یافته های تحقیق و آزمون فرضیه ها

در ادامه این مقاله، خلاصه ای از یافته های تحقیق شامل نتایج حاصل از آزمون فرضیه، مدل بدست آمده، محدودیت ها و پیشنهادات تحقیق آورده می شود.

آزمون فرضیه

آزمون فرضیه با استفاده از نرم افزار SPSS و به روش

جدول شماره ۱-۱-۸ (نتایج مربوط به آزمون فرضیه)

Model Coefficients	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	0.302	0.241		1.254	0.211
ROA	-0.328	0.171	-0.116	-1.913	0.057
GOV	0.551	0.261	0.440	2.111	0.036
Asset Turnover	0.399	0.028	0.676	14.271	0.000
SIZE	0.002	0.001	0.172	4.057	0.000
CONS	0.260	0.033	-0.290	-7.993	0.000
TANASSET	0.196	0.200	0.065	0.979	0.329
Dependent Variable: Debt					

مدل بدهی

در آزمون فرضیه مشخص شد که محافظه کاری حسابداری، سطح فروش، شاخص سودآوری (بازده داراییها)، اندازه شرکت و درصد مالکیت دولت با بدهی رابطه معنی دار دارند و بر آن تاثیر گذار هستند. تدوین مدل نهایی با توجه به متغیرهای فوق که با بدهی رابطه معنی دار دارند به روش اینتر (Inter) انجام شده است. در این روش یک مرتبه دیگر متغیرهای مستقلی که در روش گام به گام رابطه آنها با متغیر وابسته (بدهی) تأیید گردیده بود، مجدداً بدون در نظر گرفتن عرض از مبدأ برای تدوین مدل مورد آزمون قرار می گیرد. بر اساس روش اخیر مجدداً تأیید شد که همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه دارند. بنابراین مدل بدهی به صورت زیر از جدول شماره ۱-۱-۸ استخراج می گردد:

$$Debt = 0.551Gov + 0.399 Asset Turnover - 0.328Roa + 0.002Size + 0.260Cons + \varepsilon$$

که در آن :

نسبت جمع بدهی ها به جمع دارایی ها = Debt

شاخص محافظه کاری هر شرکت در هر سال = CONS

بازده دارایی هر شرکت در هر سال = ROA

گردش داراییها که عبارت است از نسبت فروش به جمع

دارایی هر شرکت در هر سال = Asset Turnover

درصد مالکیت دولت در سهام شرکتها = Gov

اندازه شرکت که عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع

دارایی های هر شرکت در هر سال = Size

میزان خطای مدل = ε

آزمون آنالیز واریانس

آنالیز واریانس (Anova) توان رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می نماید.

فرضیه های این آزمون به صورت زیر بیان می شود:

H₀: رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و

متغیرهای مستقل وجود ندارد.

H₁: رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای

مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۱-۳-۸ آورده شده است. این جدول شامل آماره های مجموع مجذورات، درجه آزادی، مجذور میانگین، آماره F و سطح معنی داری است. مجموع مجذورات واریانس بیان شده توسط خط رگرسیون برابر ۳۹/۷۶۶ و مجموع مجذورات واریانس بیان نشده توسط خط رگرسیون برابر ۱۹/۳۳۵ است. درجه آزادی واریانس بیان شده توسط خط رگرسیون برابر ۲۸۸ و آماره F برابر ۱۲/۶۰۳ می باشد. در آزمون فوق سطح معنی داری در ناحیه رد H₀ می افتد و فرضیه H₁ تأیید می شود. بنابراین فرض H₀ مبنی بر عدم وجود خط رگرسیون در سطح اعتماد ۹۵ درصد و یا خطای پنج درصد رد می شود. بنابراین آزمون فوق صحت مدل را تأیید می نماید. همچنین ضریب تعیین مدل رگرسیون (R^۲) که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می دهد با توجه به جدول شماره ۲-۳-۸ برابر ۶۷/۳ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که ۶۷/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (Debt) بر اساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می شود و مابقی آن متأثر از سایر عواملی است که در این مدل قابل مشاهده نیستند. نتایج حاصل از جدول مذکور نشان می دهند که تفاوت میان ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده در حدود ۵ درصد است. این تفاوت از نظر آماری دارای اهمیت نبوده و بیانگر آن است که متغیرهای مدل رگرسیون، متغیرهای مناسبی برای پیش بینی هستند. همچنین مقدار آماره دوربین واتسن و سطح معنی داری تغییرات آماره F این موضوع را تأیید می نماید.

جدول شماره ۱-۳-۸ (نتایج مربوط به آنالیز واریانس)

ANOVA	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	39.766	47	0.846	12.603	0.000
Residual	19.335	288	0.067		
Total	59.101	335			
Dependent Variable: Debt					

جدول شماره ۲-۳-۸ (نتایج مربوط به آنالیز واریانس)

R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics			Sig. F Change	Durbin-Watson	
				R Square Change	F Change	df1			
0.820	0.673	0.619	0.259	0.673	12.603	47	288	0.000	1.726
Dependent Variable: Debt									

نیستند.

آماره های توصیفی

آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱-۵-۸ آورده شده است. همان طور که مشاهده می شود، تعداد مشاهدات در ۴۲ شرکت در طی دوره زمانی ۸ ساله برابر ۳۳۶ مشاهده برای هر متغیر است. از میان متغیرهای تحقیق متغیر اندازه، بیشترین میانگین و واریانس را دارا است. همچنین متغیر نسبت دارایی ثابت به جمع داراییها، کمترین انحراف معیار و واریانس را در اختیار دارد. از طرف دیگر جدول مذکور نشان می دهد که درصد مالکیت دولت در شرکتهای مورد تحقیق به طور متوسط بالغ بر ۶۰ درصد است. این در حالی است که بدهی آنها به طور متوسط ۷۹ درصد و نسبت بازده دارایی های آنها (یعنی شاخص سودآوری) ۲۱ درصد می باشد. همچنین میانگین نسبت گردش داراییها ۸۸ درصد می باشد.

هم خطی میان متغیرها

معمولاً هم حرکتی و یا هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روشهای آزمون هم خطی، محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل بدست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این تحقیق چون تمام ضرایب برآورد شده معنی دار و تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم حرکتی میان متغیرها حاد نیست. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره ۱-۴-۸ آورده شده است. این جدول نشان می دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم خطی حاد

جدول شماره ۱-۴-۱۱ (نتایج مربوط به هم خطی)

Pearson Correlation	SALE	TANASSET	GOV	ROA	DEBT	CONS	SIZE
Asset Turnover	1	-0.143	0.073	0.355	0.450	0.064	-0.047
TANASSET		1	-0.087	0.003	-0.032	0.141	0.139
GOV			1	0.074	0.105	-0.005	-0.061
ROA				1	-0.113	-0.051	-0.249
DEBT					1	0.328	0.146
CONS						1	-0.001
SIZE							1
N	336	336	336	336	336	336	336

جدول شماره ۱-۵-۸ (نتایج مربوط به آماره های توصیفی)

Descriptive Statistics							
	N	Range	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	Variance
GOV	336	1	0	1	0.603	0.335	0.112
Asset Turnover	336	10.087	0.006	10.093	0.884	0.711	0.506
TANASSET	336	0.806	0.008	0.813	0.214	0.139	0.019
ROA	336	1.097	-0.362	0.735	0.142	0.149	0.022
DEBT	336	7.136	0.338	7.474	0.791	0.420	0.176
CONS	336	9.955	-7.467	2.487	0.011	0.467	0.218
SIZE	336	137.272	9.652	146.924	54.400	29.803	888.214

سایر یافته های تحقیق

عبارت دیگر با افزایش سودآوری نیاز به استقراض کاهش می یابد.

د) افزایش بدهی بواسطه افزایش گردش داراییها ، افزایش فروش و به تناوب آن افزایش گردش داراییها ، موجب افزایش بدهی می گردد. ضریب گردش داراییها در مدل نشان می دهد، اگر یک واحد گردش داراییها افزایش یابد در آن صورت بدهی به اندازه ۴۰ درصد افزایش می یابد. این موضوع بر این مطلب تأکید دارد که شرکت‌های موجود در نمونه تحقیق ، مبالغی را که استقراض می نمایند برای افزایش تولید و فروش بکار می گیرند.

ه) افزایش بدهی بواسطه افزایش مالکیت دولت افزایش درصد سهام متعلق به دولت در شرکت‌های مورد تحقیق، موجب افزایش بدهی می گردد و نسبت به سایر متغیرهای تحقیق بیشترین اثر را بر بدهی دارد. این موضوع به خوبی در مدل نشان داده شده است. هرگاه یک واحد به مالکیت دولت اضافه شود ، در آن صورت ۵۵ درصد به بدهی افزوده خواهد شد. بر این اساس باید استدلال نمود که برای کاهش بدهی در شرکت‌های ایرانی باید مالکیت و مدیریت دولتی را در صنایع محدود نمود.

الف) افزایش بدهی بواسطه افزایش محافظه کاری حسابداری ضریب مثبت محافظه کاری در مدل نشان می دهد که بدهی با محافظه کاری حسابداری رابطه ای مستقیم دارد. به عبارت دیگر هرچه درجه محافظه کاری افزایش یابد ، بدهی افزایش می یابد. در این نمونه از تحقیق اگر محافظه کاری یک واحد افزایش یابد در آن صورت بدهی به اندازه ۲۶ درصد آن واحد افزایش می یابد.

ب) اثر ناچیز اندازه شرکت بر بدهی اندازه شرکت در تعیین بدهی نسبت به سایر متغیرها اثر کمی دارد. بر اساس نتایج حاصل از مدل ، هرچه اندازه شرکتها بزرگتر باشد ، بدهی آن شرکتها بزرگتر است. اثر اندازه شرکتها بر نسبت اهرمی به ازای هر واحد افزایش، تنها دو دهم درصد است. این موضوع شاید به این دلیل باشد که در نمونه تحقیق ، تعداد شرکت‌های بزرگ بسیار کمتر از شرکت‌های کوچک است.

ج) کاهش بدهی بواسطه افزایش بازده دارایی ها براساس نتایج مدل می توان استدلال نمود که افزایش بازده دارایی ها ، موجب کاهش بدهی می گردد. در مدل فوق ، ضریب منفی بازده دارایی ها بیانگر این موضوع است که اگر یک واحد بر بازده دارایی ها اضافه شود در آن صورت بدهی به میزان ۳۳ درصد واحد کاهش می یابد. به

رابطه میان درصد مالکیت دولت با نسبت بدهی به جمع دارایی همانند شرکتهای مالزیایی مثبت است. اما رابطه بین اندازه شرکت و نسبت بدهی به جمع دارایی بر خلاف شرکتهای مالزیایی مثبت می باشد و رابطه بین بازده دارایی با نسبت بدهی به جمع دارایی نیز مشابه شرکتهای مالزیایی منفی است. بعلاوه بر خلاف مالزی ، نسبت دارایی ثابت با نسبت بدهی در ایران رابطه ای با نسبت اهرمی ندارد.

خلاصه و نتیجه گیری

محافظه کاری حسابداری با بدهی رابطه ای مستقیم دارد. در ایران بدهی با افزایش محافظه کاری ، افزایش می یابد. این موضوع از نظر تئوری پذیرفته شده و مشابه نتایج تحقیقات خارجی می باشد. بدهی با افزایش بازده داراییها کاهش می یابد ، این مورد نیز مشابه نتایج تحقیقات خارجی است. با افزایش درصد مالکیت دولت در سرمایه شرکتها ، بدهی نیز افزایش می یابد. این عامل نسبت به سایر عوامل بیشترین اثر را بر بدهی دارد. لذا می توان پیشنهاد نمود که خصوصی سازی صنایع شاید بتواند نسبت بدهی را در شرکتهای ایرانی بهبود ببخشد. همچنین بعد از درصد مالکیت دولت ، نسبت گردش دارایی ها بیشترین رابطه را با بدهی دارد. این موضوع بیانگر آن است که شرکتهای ایرانی بیشتر از طریق استقراض ، چرخه عملیات خود را تامین مالی می کنند و این خود موجب افزایش بدهی می شود. همچنین فقدان اعطای منابع مالی کافی از سوی اعتبار دهندگان ، می تواند موجب توقف چرخه عملیاتی و کاهش فروش شرکتها شود. بنابراین به عنوان یک موضوع تحقیق ، پیشنهاد می شود تا در مورد اثر محافظه کاری حسابداری بر کاهش تضاد منافع میان اعتبار دهندگان و سهامداران تحقیق شود. بر این اساس سایر پیشنهادات به قرار زیر می باشند:

- ۱- بررسی تطبیقی محافظه کاری حسابداری در شرکتهای سهامی خاص و شرکتهای سهامی عام با مالکیت دولتی و غیر دولتی
- ۲- بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و ورشکستگی شرکتها

مقایسه نتایج تحقیق با تحقیقات مشابه خارجی

تحقیق حاضر در صورتی با تحقیقات خارجی قابل مقایسه است که دو عامل مهم تعداد مشاهدات و دوره زمانی آن با تعداد مشاهدات و دوره زمانی تحقیقات خارجی یکسان باشد. اما انجام این موضوع غالباً دشوار به نظر می رسد. بنابراین در اینجا با پذیرش این محدودیت و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، مقایسه مذکور انجام می شود. لازم به توضیح است که روش اندازه گیری متغیرها مشابه تحقیقات خارجی است.

از دیدگاه تئوری ، تغییرات محافظه کاری با تغییرات بدهی همسو است. به بیانی دیگر هرگاه محافظه کاری افزایش یابد، بدهی نیز (نسبت بدهی به جمع داراییها) افزایش می یابد. به عنوان مثال اگر جمع داراییها ۱۰۰۰ ریال و جمع بدهی ها ۴۰۰ ریال باشد ، بدهی برابر ۴۰ درصد است. حال اگر بر اساس محافظه کاری ، برای موجودی کالا ذخیره ای معادل ۱۰۰ ریال بابت کاهش ارزش آن محاسبه شود. در آن صورت جمع داراییها ۹۰۰ و بدهی ها بدون تغییر باقی مانده و بدهی نیز به ۴۴ درصد افزایش می یابد. احمد و همکاران (۲۰۰۲) ، نیکلاف (۲۰۰۸) و بال و همکاران (۲۰۰۷) طی تحقیقی از شرکتهای آمریکایی دریافتند که بدهی با محافظه کاری رابطه ای مستقیم دارد. یعنی در شرکتهایی که بدهی بالا دارند از رویه های محافظه کارانه بیشتری استفاده می کنند. در ایران این رابطه وجود دارد، یعنی هرگاه محافظه کاری افزایش می یابد بدهی نیز افزایش می یابد. در تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) رابطه میان نسبت بدهی به جمع دارایی با اندازه شرکت و با بازده دارایی ها منفی است. در ایران رابطه میان بدهی با اندازه شرکت مثبت اما با بازده داراییها منفی است.

همچنین در تحقیق فرازر و همکاران (۲۰۰۵) که درباره رابطه بین ساختار سرمایه و درصد مالکیت دولت در مالزی انجام شده است، به رابطه ای مثبت و مستقیم میان نسبت بدهی به جمع دارایی (شاخص ساختار سرمایه) با درصد مالکیت دولت پی برده شد. اما این رابطه درباره اندازه شرکت و شاخص سودآوری (بازده دارایی ها) مثبت نبود. همچنین نسبت دارایی ثابت به جمع دارایی ها رابطه ای مثبت با نسبت بدهی به جمع دارایی دارد. در ایران نیز

۳- بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و تغییر حسابرس
 ۴- بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و هزینه سرمایه

منابع و مأخذ:

۱. ادهم ذاکر (۱۳۸۶)، رابطه بین محافظه کاری حسابداری، بازده سهام و کیفیت سود، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۲. بنی مهد بهمن (۱۳۸۵) تبیین و ارائه الگو برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری، رساله دکتری رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
۳. دلاور علی (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد
4. AAA (2007), The FASB's conceptual framework for financial reporting: a critical analysis. Accounting Horizons, Vol. 21, No. 2 pp 229-238
5. Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and Stanford-Harris, M. (2002) The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs, The Accounting Review, 77(4), pp. 867-890.
6. Ahmed, A. S., Scott Duellman (2008) Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment AAA 2008 Financial Accounting and Reporting Section. www.ssrn.com
- Ball, R., Kotari, S.P. and A.Robin,(2000), The effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings, Journal of Accounting and Economics No.29, PP 1-51
7. Ball, R., Robin, A., Sadka, G., 2007, Is Financial Reporting Shaped by Equity Markets or by Debt Markets? An International Study of Timeliness and Conservatism, University of Chicago working paper.
8. Basu, S. (1997), The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, Journal of Accounting & Economics No24, PP.3-37
9. Beatty Anne, Weber Joseph, Jiewei Yu Jeff (2008), Conservatism and Debt, www.ssrn.com
10. Beaver, W. H. and Ryan, S. (2000) Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity, Journal of Accounting Research, 38(1), pp. 127-148
11. Donald R. Fraser a, Hao Zhang b, (2005), Capital structure and political patronage: The case of Malaysia, Journal of Banking & Finance, www.elsevier.com/locate/jbf
12. FASB, (February 2006) Conceptual Framework – Joint Project of IASB and FASB, Latest Revision, www.fasb.com
13. Feltham, G. and Ohlson, J. A. (1995) Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities, Contemporary Accounting Research, 11(2), pp. 689–731.
14. García Lara, J. M. and Mora, A. (2004) Balance sheet versus earnings conservatism in Europe, European Accounting Review, 13(2), pp. 261-292.
15. García Lara, Beatriz G. Osma, Fernando Penalva (2006), Cost of Equity and Accounting Conservatism, IESE Business School, University of Navarra
16. Givoly, D., C. K. Hayn, and A. Natarajan. 2007. Measuring reporting conservatism. The Accounting Review 82 (1): 65-106.
17. Givoly, D. and Hayn, C. (2000) The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?, Journal of Accounting and Economics, 29(3), pp. 287-320.
18. Holthausen, R. and R. Watts. (2001). “The Relevance of the Value-Relevance Literature for Financial Accounting Standards Setting.” Journal of Accounting and Economics 31, 3-75.
19. LaFond, W., and R. L. Watts. 2008. The information role of conservatism The Accounting Review
20. Nikolaev, V., 2008. Debt covenants and accounting conservatism: complements or substitutes? www.ssrn.com
21. Penman, S. H. and Zhang, X. J. (2002) Accounting conservatism, quality of earnings, and stock returns, The Accounting Review, 77(2), pp. 237-264.
22. Qiang, X., 2007. The effects of contracting, litigation, regulation, and tax costs on conditional and unconditional conservatism: cross-sectional evidence at the firm level. Accounting Review 82, 759-
23. Ryan, S. 2006. Identifying conditional conservatism. European Accounting Review 15 (4): 511-525.

-
24. Watts Ross & Zimmerman Jerold(1978) , Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards, The Accounting Review, Vol LIII ,No 1
 25. Watts Ross & Zimmerman Jerold, (1986) , Positive Accounting Theory, prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey
 26. Watts, R. L. (2003a) Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, Accounting Horizons, 17(3), pp. 207-221
 27. Watts, R. L. (2003b) Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities, Accounting Horizons, 17(4), pp. 287-301.